

نگاهی گذرا به سیره اخلاقی امام حسین (ع) در خانواده

<?xml encoding="UTF-8?">

اشاره

خداوند متعال، رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) او را برای اهل عالم، به ویژه پیروانشان، به عنوان الگو آفریده است. مسلمانان جهان وظیفه دارند در تمام شئون زندگی اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و غیره به آنان اقتدا نمایند.

یکی از نکات قابل توجه در سیره پیشوایان معصوم (ع) نحوه رفتار آنان با خانواده است. در این نوشتار مختصر برآنیم تا با مراجعه در منابع تاریخی به گوشه هایی از سیره اخلاقی امام حسین (ع) در خانواده بپردازیم؛ هر چند به خاطر طبیعت موضوع و نیز شرایط اجتماعی، حجم شواهد و موارد بر جای مانده در تاریخ، در این خصوص فراوان نیست؛ همین اندک نیز بسیار ارزشمند و گویاست.

احترام به همسر

احترام به همسر از عواملی است که در تربیت فرزندان، تأثیر فراوانی دارد. مادری که در خانه، عزیز باشد و مورد تکریم شوهرش قرار گیرد، با روحی سرشار از عاطفه و آرامش و احساس شخصیت، فرزندان را تربیت خواهد نمود. به عکس اگر همسر در خانه مورد آزار و اذیت روحی و جسمی قرار گیرد و شخصیتش در خانه و پیش فرزندان تحقیر شود، بدیهی است که از روان سالمی برخوردار نخواهد بود و در نتیجه، آرامش خود را از دست داده و اضطراب و نگرانی او در فرزندان نیز تأثیر خواهد گذاشت.

انسان در دوران زندگی با حوادث و مسائلی روبه رو می شود که او را نگران و متأثر می سازد. فردی که احساس کند از طرف دیگران مورد ستم واقع شده، اگر برای رسیدن به حق خود تلاش کند و نتواند به آن برسد، دچار نگرانی خواهد شد. حال اگر برای زن یا شوهر چنین مشکلی پیش آید و با حالت تأثر وارد خانه شود، ممکن است گلایه کرده و از همسر انتظار داشته باشد که در این شرایط به او کمک کند و از او دفاع نماید. و در نتیجه، هرگونه تصوّر کوتاهی را در این رابطه دور از انتظار می داند.

همسر در این حالت های ویژه، باید سعی کند با مهربانی، احترام و دلجویی چنان رفتار کند که از اندوه و تأثر او بکاهد. در چنین شرایطی، سخنان منطقی و محترمانه همسر می تواند اثبات نماید که: من در دفاع از حق تو کوتاهی نکرده ام و آنچه مصلحت بوده و توان داشتم انجام داده ام.

حضرت زهرا (س) پس از رحلت رسول مکرّم اسلام (ص) وقتی فدک را به ناحق از او گرفتند، برای دفاع از حق خویش و بازگرداندن حقش، نزد خلیفه وقت رفت؛ اما با ارائه استدلال های منطقی، موفق نشد حق خود را بستاند، بنابراین با ناراحتی و تأثر شدید وارد منزل شد و اظهار ناراحتی نمود، شوهرش، علی (ع) را مورد خطاب قرار داد و گفت:

... هیچ کس از من دفاع نکرد و از ظلم آنها جلوگیری ننمود، خشمگین از خانه بیرون رفتم و پریشان و با شکست

و افسردگی بازگشتم، و تو این گونه پریشان نشسته ای! تو همان بودی که گرگان عرب را صید می کردی و اکنون زمین گیر شده ای! یا علی! نه گویندگان را مانع هستی و نه یاهو گویان را دافع! اختیار از کفم رفته،... از این که با تو این گونه سخن می گویم، نزد خدا عذر می خواهم، خواه مرا یاری کنی، یا واگذاری! ای وای بر من در هر پگاه که تکیه گاهم از کف بیرون رفت و بازویم بی رمق گشت.

علی (ع) با لحنی محترمانه همسر مهربانش را دلداری داد و فرمود:

ویل و وای بر تو مباد؛ بلکه وای بر دشمنان تو باد! ای دختر برگزیده خدا و یادگار نبوت، از اندوه و غصه دست بردار. به خدا سوگند! من در انجام وظیفه سستی نکردم و آنچه قدرت و توان داشتم، انجام دادم.

حضرت علی (ع) آن چنان با خونسردی، متانت، دلجویی و احترام در برابر ناراحتی و شکوه حضرت زهرا (س) برخورد می نماید، که حضرت فاطمه (س) آرام می گیرد و می فرماید:

خداوند مرا کفایت می کند. و بدین گونه کار آنها را به خدا وامی گذارد و ساکت می شود. (1)

علی (ع) همواره مواظب بود که از حزن و اندوه زهرا (س) که بعد از پدر بزرگوارش بسیار زیاد شده بود، بکاهد. زهرا (س) به پدرش، پیامبر (ص) علاقه زیادی داشت. حضرت می فرمود: پیراهن پدرم را به من بدهید. و چون پیراهن را می گرفت، آنقدر آن را می بویید تا بیهوش می شد.

علی (ع) می فرماید: پیامبر (ص) را در پیراهنش غسل دادم و چون وضع زهرا (س) را مشاهده کردم که با بوییدن آن پیراهن بیهوش می شود، آن را پنهان نمودم. (2)

حضرت علی (ع) درباره چگونگی برخورد با همسرش می فرماید:

به خدا سوگند! هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود و او را به هیچ کاری مجبور نکردم...، او نیز هرگز مرا خشمگین نکرد و برخلاف میل باطنی من، قدمی برنداشت. (3)

در تاریخ می خوانیم: روز عاشورا هنگامی که هلال بن نافع عازم میدان جنگ بود، همسر جوانش از رفتن او

ناراحت شده و به شدت می گریست. امام حسین (ع) متوجه آن زوج جوان گردیده و به هلال فرمود:

إِنَّ أَهْلَكَ لَا يُطِيبُ لَهَا فِرَاقُكَ، فَلَوْ رَأَيْتَ أَنَّ تَخْتَارَ سُورَها عَلَى الْبَرَّازِ (4) همسرت جدایی تو را نمی پسندد، تو آزادی و می توانی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها مقدم بداری.

آن امام همام بالاترین حدّ تکریم را نسبت به فرزند و همسر داشت. حتی آنان را مورد عنایت خاص خود قرار داد و آنان نیز علاقه وافری نسبت به حضرتش ابراز می داشتند و آنان نیز علاقه وافری نسبت به حضرتش ابراز می داشتند.

مثلاً رباب علاقه وافری به امام حسین (ع) داشت. او در سفر کربلا همراه امام بود و پس از شهادت آن حضرت

نیز وفاداریش را به زبان شعر، و نیز در عمل، نشان داد.

دو مرثیه از رباب در دسترس، قرار دارد که هر دو دارای معانی بسیار زیبا بوده و خلوص و ارادت رباب را نسبت به آن حضرت نشان می دهد:

ترجمه آن چنین است: آن پرتوی که دیگران از درخشش آن بهره می بردند، در کربلا کشته شده و غیر مدفون رها شده است.

ای فرزند پیامبر (ص)! خدا از طرف ما تو را پاداش نیکو داده و در وقت میزان تو را از هر زیانی به دور دارد.

تو آن چنان کوه محکمی بوده که من بدان پناه می بردم و تو با رحمت و از سر دینداری با ما همنشینی داشتی.

دیگر چه کسی برای یتیمان و فقیران، مانده؟ و چه کسی است که مسکینان بدو پناه برده و او بی نیازشان سازد؟

به خدا قسم! دیگر سایه ای بعد از تو بر سرم نخواهم پذیرفت تا در میان خاک، پنهان شوم. (5)

رباب در بخشی از این اشعارش ارتباط عمیق خود را با امام حسین (ع) تصویر می کند؛ امام چون کوهی است که پناهگاه آرام بخش رباب بوده و آن حضرت نیز با کمال ملاطفت و از سر دینداری با وی برخورد داشته است.

توجه به خواستِ همسر

امام حسین (ع) به خواست، علاقه و حسّ زیبایی دوستی همسرش، توجه خاصی می نمود و برخی اوقات به همین خاطر با انتقادات اصحاب و دوستان خود روبه رو می شد؛ ولی به خواستِ طبیعی و مشروع همسر خویش احترام می گذاشت.

جابر از امام باقر (ع) نقل می کند:

عده ای بر امام حسین (ع) وارد شدند؛ ناگاه فرش های گران قیمت و پشتی های فاخر و زیبا را در منزل آن حضرت مشاهده نمودند. عرض کردند: ای فرزند رسول خدا! ما در منزل شما وسایل و چیزهایی مشاهده می کنیم که ناخوشایند ماست (وجود این وسایل در منزل شما را، مناسب نمی دانیم!). حضرت فرمود: *إِنَّا نَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيهِنَّ مَهْرَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَ، لَيْسَ لَنَا فِيهِ شَيْءٌ* (6) از ازدواج، مهریه زنان را پرداخت می کنیم و آنها هر چه دوست داشتند، برای خود خریداری می کنند. هیچ یک از وسایلی که مشاهده نمودید، از آن ما نیست.

در روایت دیگر نقل شده که از امام صادق (ع) سؤال شد: آیا خرید جواهرات برای زینت بچه ها درست است؟ حضرت فرمود: *عليّ بن الحسين (ع) برای بچه ها و همسرانش زیورآلات از نوع طلا و نقره تهیه می کرد و آنها را با آن زیورها می آراست. (7)*

از این روایات و نظایر آن، به خوبی استفاده می شود که امام حسین (ع) و سائر ائمه اطهار (ع) به حسّ زیبایی دوستی همسر خود احترام می گذاشتند و امکانات لازم را در حدّ متعارف آن زمان، برای آنها فراهم می نمودند.

غیرت ورزی نسبت به خانواده

یکی از خصلت های پسندیده، غیرت است. غیرت، به معنای آن است که سرشت و طبیعت انسان از این که غیر خودش در یک امر مورد علاقه اش با او مشارکت داشته باشد نفرت داشته باشد. (8)

غیرت در اصطلاح، آن است که کسی نسبت به ناموس خود و همسر یا فرد مورد علاقه اش به حدّی اهتمام ورزد که به دیگری اجازه و تعرض به حریم خویش ندهد. انسان غیور، نمی تواند تحمل کند که دیگران با نگاه های ناپاک یا انگیزه های فاسد، به همسر و بستگان او نزدیک شوند و قصد سوء داشته باشند.

غیرت ورزیدن، خلّی ارزشمند و پسندیده است. گاهی هم (غیرت دینی) سبب می شود که انسان از هر نوع سوء قصد و هجوم مخالفان به دین و ارزش های مقدّس و معتقدات دینی برآشوبد و عکس العمل نشان دهد و در دفع تعرض بکوشد. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: *الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ* (9) غیرت از ایمان است.

غیرت، نشانه ارزشمندی شخصیت یک انسان محسوب می شود. حضرت علی (ع) فرموده است: ارزش انسان به قدر همّت اوست، صدق او به اندازه جوانمردی اوست، شجاعتش به اندازه پاکدامنی اوست و عفت او به قدر غیرت اوست. (10) خداوند نیز بندگان غیرتمند خویش را دوست می دارد. (11)

بنی هاشم، غیرتمندان روزگار خویش بودند و برای عترت پیامبر (ص) حرمتی فوق العاده قائل بودند. جوانان بنی

هاشم نیز پیوسته اهل بیت امام حسین (ع) را در طول سفر به کربلا، محافظت می کردند. شبها نیز با حراست این جوانان، به ویژه قمر بنی هاشم، زنان حرم آسوده و بی هراس می خفتند.

غیرت در دریای پهناور وجود اباعبدالله (ع) موج می زد و به همه آموخت که نگهبانان دین و ناموس خود باشند و بیشترین حساسیت را در دفاع و صیانت از آنها داشته باشند. او تا آخرین نفس از عقیده اسلامی خود دفاع کرد و بر محو باطل پافشاری نمود. او که سرآمد غیرتمندان عالم است در رجز حماسی خویش در روز عاشورا از جمله بر حمایت از ذریه پیامبر و خانواده پدرش تأکید می فرمود: اَحْمَى عِيَالَتِ اَبِي، اَمْضَى عَلَى دِينِ النَّبِيِّ (12) آن حضرت، روز عاشورا خانواده و دختران و خواهر خود را توصیه کرد که پس از شهادتش، گریبان ندرند و چهره مخراشند و آه و زاری و واویلا سر ندهند و پیش دشمنان صدایشان را به گریه بلند نکنند. در واپسین لحظات هم که مجروح بر زمین افتاده بود، وقتی شنید که گروهی از سپاه دشمن قصد حمله به خیمه ها و تعرض به زنان و کودکان دارند، بر سرشان فریاد کشید: اِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِيْنٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُوْنَ الْمَعَادَ فَكُوْنُوا اَحْرَارًا فِيْ دُنْيَاكُمْ... (13) ای پیروان آل ابوسفیان! اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید، پس در دنیایتان آزاده باشید و اگر عربید، به اصل و تبار خویش برگردید...

شمر جلو آمد و گفت: ای پسر فاطمه چه می گویی؟

امام (ع) فرمود: من با شما می جنگم و شما با من می جنگید، پس تجاوزگران و سرکشان و جاهلان خود را تا وقتی من زنده ام، از حرم من بازدارید. (14)

از غیرت آن امام همام بود که در همان حال هم از کار ناجوانمردانه سپاه دشمن برآشت و اعتراض کرد و تا زنده بود نتوانست تحمل کند که نامردان به حریم ناموس او نزدیک شوند. غیرت دینی او و یارانش نیز زمینه ساز آن حماسه بزرگ شد.

آن امام همام، کشته شدن را بر ننگ ذلّت و تسلیم، ترجیح داد و این از غیرت و حمیت او بود. یاران شهیدش هم شب عاشورا و در فرصت های دیگر تا پای جان ابراز وفاداری کردند و غیرتشان اجازه نداد که امام و اهل بیت او را در صحرا و میان انبوه دشمن رها کنند و خود، در پی زندگی و عافیت خویش روند. عباس، امان نامه دشمن را ردّ کرد، تیغ ها و شمشیرهای دشمن را بر خواری و مذلّت ترجیح داد.

اما فرومایگان، برای کشتن او و به خاطر رضای خاطر والی کوفه و یزید طاغوت، همدست شدند و پس از کشتن عاشورائیان، خانواده آنان را به اسارت بردند.

اعتراض حضرت زینب (س) به یزید در شام، که اهل بیت پیامبر را در معرض دید و تماشای مردم کوچه و بازار قرار داده (15) ریشه در غیرت او داشت.

پیروان عاشورا، هم درس عفاف و حجاب را به عنوان غیرت ناموسی از کربلا می آموزند، هم دفاع از مظلوم و نصرت حق و مبارزه با باطل و بدعت را به عنوان غیرت دینی از حماسه آفرینان کربلا الهام می گیرند.

رفتار حضرت نسبت به خانواده و فرزندان در لحظه وداع

امام (ع) در واپسین لحظه های زندگی خویش شرایط ناگواری خانواده و فرزندان، غصه یتیمی و از دست دادن نزدیکترین عزیزان از یک طرف، طی مسیر کربلا تا شام و از شام به مدینه، همراهی دشمنان سنگدل، از طرف دیگر را مجسم کرد. در چنین شرایطی آن امام همام شیوه دعوت به صبر و بردباری و توجّه دادن به نصرت الهی را برگزید تا با دم حسینی خود روح خسته آنان را توان دوباره ببخشد و عزمشان را برای دست یابی به همه اهداف،

تقویت نمایند. در مقاتل آمده است:

هنگامی که امام (ع) همه یارانش را دید که شهید شده اند، برای وداع به خیمه ها آمد و ندا دادند: ای سکینه، ای فاطمه، ای زینب، ای ام کلثوم، آخرین درود و سلام من بر شما باد. (16)

سکینه صدا زد: ای پدر آیا تن به مرگ داده ای؟

فرمود: کسی که یاور ندارد، چگونه تن به مرگ ندهد.

طبق نقل دیگر فرمود: ای نور چشم من! کسی که یار و یآوری ندارد، چگونه تسلیم مرگ نشود، ولی (فرزندم) رحمت و نصرت خداوند در دنیا و آخرت به همراه شما است، دخترم بر قضاء الهی، صبر پیشه کن و زبان به شکوه مگشای، زیرا دنیا محلّ گذر است، ولی آخرت خانه همیشگی است.

سکینه گفت: ما را به حرم جدّمان (مدینه) بازگردان.

امام فرمود: لَوْ تُرِكَ الْقَطَا لَعَفَا وَ نَامَ؛ اگر پرنده قطا را بگذارند، در جایگاه خود آرام می گیرد و استراحت می کند. سکینه گریه کرد، امام حسین (ع) دختر عزیزش را به سینه چسباند و اشکهایش را پاک نمود و اشعاری خواند که ترجمه اش چنین است:

ای سکینه جانم! بدان که بعد از شهادتم، گریه تو بسیار خواهد شد، دل مرا با افسوس، به سرشک خود مسوزان تا جان در بدن دارم، پس وقتی که کشته شدم تو بر هر کس نزدیکتر به بدن من می باشی که کنارم بیائی و گریه کنی، ای برگزیده بانوان. (17)

طبق نقل سوم آن حضرت به فرزندان و خواهران چنین توصیه نمود: خودتان را برای گرفتاری آماده کنید و بدانید خداوند نگهدار و یاور شما است و شما را از شرّ دشمنان نجات می بخشد و عاقبت امرتان را به خیر خواهد کرد، دشمنانتان را با انواع بلاها عذاب خواهد نمود و به شما، در برابر این گرفتاری، انواع نعمت و کرامت عطاء خواهد کرد. پس زبان به شکوه مگشایید و سخنی مگویید که از منزلت و ارزش شما بکاهد.

پی نوشت ها :

1. احتجاج، طبرسی، ج 1، ص 181 و 282.
2. بحارالانوار، ج 43، ص 157، ح 6.
3. کشف الغمّه، ج 1، ص 363 ص.
4. کلمات الامام الحسین (ع)، ص 447، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، حدیث 8.
5. اعیان الشیعه، ج 6، ص 449؛ اعلام النسا المومنات، ص 347؛ منتهی الامال، ج 1، ص 335.
6. الکافی، ج 6، ص 476.
7. کافی، ج 6، ص 475، ح 1.
8. مجمع البحرین، ج 2، ص 246.
9. من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 444.
10. و عفته علی قدر غیرته. (نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت 47).
11. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عِبَادِهِ الْعَيُّور. (میزان الحکمة، ج 7، ص 357).
12. بحارالانوار، ج 45، ص 49.

13. همان، ص 51.

14. فَأَمْنَعُوا غُتَاتِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا. (بحارالانوار، ج 45، ص 51).

15. حياة الامام الحسين، ج 3، ص 378.

16. معالي السبطين، ج 1، ص 22 و 23 تذكرة الشهداء، ص 307.

17. ترجمه نفس المهموم، ص 184؛ معالي السبطين، ج 2، ص 25.